

آسیب شناسی آموزش حقوق در ایران (رشته‌های دستگاہی، نظام اجرایی، متون و سرفصل‌های آموزشی)

محمد درویش زاده^۱

چکیده

در این مقاله آسیب‌های نظام آموزش حقوق در ایران به چهار قسمت تقسیم شده که عبارت‌اند از: ۱. آسیب‌های حاکم بر رشته‌های دانشگاهی حقوق ۲. آسیب‌های راجع به نظام اجرایی آموزش حقوق ۳. آسیب‌های مربوط به متون آموزشی حقوق و ۴. آسیب‌های مربوط به سرفصل‌های آموزشی حقوق

مهم‌ترین آسیب‌های مربوط به رشته‌های دانشگاهی حقوق عبارت‌اند از: فقدان مطالعه میان رشته‌ای / عدم تدوین سلسله مراتب اهداف / ضعف کارآفرینی و تجاری‌سازی دانش / عدم پوشش نسبت به نیازهای موجود / ضعف ارتباط با رشته‌های شغلی / فقدان ضوابط و معیارهای ایجاد رشته‌های حقوقی / ضعف مطالعات تطبیقی.

۱. مدیر کل برنامه‌ریزی و تدوین متون آموزشی معاونت آموزش قوه قضائیه

مهم‌ترین آسیب‌های مربوط به نظام اجرایی آموزش حقوق عبارت‌اند از: ناهم‌ترازی مجریان آموزش حقوق / انعطاف لازم در مقررات آموزش / مسایل مرتبط با مدرسان حقوق / وضعیت ارزشیابی آموزش / تغییرات اجتماعی / ضعف استفاده از فناوری آموزشی.

آسیب‌های راجع به متون آموزشی حقوق عبارت‌اند از: فقدان معیارهای منطبق با نظریه‌های یادگیری و سازماندهی محتوا برای تدوین متون آموزشی حقوق / ضعف سنت نقد کتاب / تمرکز بر متون نوشتاری و فقر منابع دیداری و شنیداری / عدم تناظر متون با سرفصل‌های آموزشی.

آسیب‌های راجع به سرفصل‌های آموزشی حقوق عبارت‌اند از: به‌روز شدن سرفصل‌ها / ضعف مستند سازی تدوین سرفصل‌ها / عدم دخالت متخصصان آموزشی و درسی / ضعف سرفصل‌ها و نیز ارتقای مهارت و بهبود نگرش در مقایسه با سرفصل‌های افزایش دانش / ضعف توجه به پژوهش محوری و نظریه‌های یادگیری و خلاقیت.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آسیب‌شناسی، حقوق، نظام اجرایی، سرفصل‌ها.

مفهوم و طبقه‌بندی آسیب‌های آموزش حقوق در ایران

۱. مفهوم آسیب‌های آموزش حقوق:

منظور از آسیب‌های آموزش حقوق در ایران شناسایی وضعیت و عوامل سلبی یا ایجابی محدودکننده برای توسعه و ارتقای آموزش حقوق در دانشگاه‌های کشور است. همچنین حوزه مورد مطالعه اعم از آسیب‌های ناشی از وجود مانع یا فقد مقتضی است.

۲. طبقه‌بندی آسیب‌های آموزش حقوق

آسیب‌های آموزش حقوق از زوایای مختلف و بر اساس مقسم‌های متفاوت قابل طبقه‌بندی و تقسیم است. هرچه این طبقه‌بندی‌ها دقیق‌تر باشد ما خواهیم توانست درک و دریافت صحیح‌تری از آسیب‌ها داشته باشیم و در مقام رفع و حل آن راهکارهای دقیق‌تر و مطمئن‌تری را پیش رو خواهیم داشت. بر این اساس آسیب‌های موجود از زوایای ذیل قابل طبقه‌بندی است.

الف) آسیب‌های درونی و بیرونی: برخی از آسیب‌ها ناشی از درون‌دهای نظام آموزشی حقوق است و برخی آسیب‌ها ناشی از اوضاع اجتماعی، نظام مدیریتی، ساختار و سیاست‌هایی است که از بیرون بر نظام آموزش حقوق حاکم است.

ب) آسیب‌های سببی و مسببی: رابطه میان برخی از آسیب‌ها رابطه علت و معلولی است. به این معنا که برخی از آسیب‌ها عامل و برخی دیگر معلول به حساب می‌آیند.

ج) آسیب‌های عام و خاص: برخی از آسیب‌ها محدود به رشته حقوق نیست و به طور عام بر نظام آموزش رسمی کشور عارض شده است اما اکثر آسیب‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند آسیب‌های خاص نظام آموزشی حقوق است.

د) آسیب‌های موضوعی و موضعی: آسیب‌های موجود در حوزه آموزش حقوق از نظر موضع پدیداری و موضوع پیدایی نیز قابل تقسیم است. طیفی از این آسیب‌ها

۱. در خصوص اهمیت و قواعد تقسیم نگاه شود به کتاب‌های علم منطق و از جمله المنطق تألیف

محمد رضا المظفر مبحث تقسیم.

موضوعاً ناظر به رشته‌های دانشگاهی حقوق است و طیف دیگر ناظر به نظام اجرایی و عملی آموزش حقوق و همچنین موضع و جایگاه پدیداری آسیب‌ها بعضاً سرفصل‌های آموزش حقوق است و برخی دیگر متون آموزشی حقوق. به نظر می‌رسد که این طبقه‌بندی از آسیب‌های آموزش حقوق نسبت به محورها و موضوعات مصوب کنگره ملی علوم انسانی نزدیک‌تر باشد. بر این اساس در این مقاله طبقه‌بندی آسیب‌های آموزشی حقوق ایران از همین سبک تبعیت خواهد کرد. لذا در ابتدا آسیب‌های ناظر به رشته‌های دانشگاهی حقوق بررسی می‌شود و آنگاه آسیب‌های ناظر به نظام اجرایی آموزش حقوق مطرح خواهد شد و در ادامه آسیب‌های مربوط به متون آموزشی حقوق بررسی می‌شود و در نهایت از آسیب‌های موجود در ارتباط با سرفصل‌های آموزش حقوق یاد خواهیم کرد. ناگفته پیداست که به اقتضای موضوع و اهداف این تحقیق، تمرکز مباحث بر آسیب‌های مرتبط با حوزه آموزش حقوق است لذا طرح این مباحث به معنای ناسپاسی یا نادیده گرفتن نقاط قوت آموزش حقوق نیست؛ بلکه نگارنده خود را مدیون نظام و ادبیات حقوقی معاصر می‌داند و حریم استادان و نظریه پردازان حقوق را پاس می‌دارد.

آسیب‌های مربوط به رشته‌های دانشگاهی حقوق

در این بررسی آسیب‌هایی که گریبانگیر رشته‌های دانشگاهی حقوق است به شرح ذیل طبقه‌بندی شده است.

- فقدان مطالعات میان رشته‌ای و فرا تخصصی رشته‌های حقوقی
- ضعف سلسله مراتب اهداف در رشته‌های دانشگاهی حقوق
- ضعف روبه‌تزايد کارآفرینی و تجاری سازی دانش در رشته‌های حقوق
- ناسازگاری وضعیت فعلی رشته‌های حقوق با جایگاه و الزامات آن در اسناد ملی توسعه کشور
- ضعف پوششی رشته‌های حقوق نسبت به نیازهای موجود

- ضعف ارتباط متناظر و مستقیم رشته‌های تحصیلی حقوق با رشته‌های شغلی آن.
 - ضعف و ناکارآمدی ضوابط و معیارهای مربوط به ایجاد رشته‌های حقوق
 - ضعف ارتباط درختی در سطوح افقی و عمودی آموزش حقوق
 - ضعف مطالعات تطبیقی در رشته‌های آموزشی حقوق
- اکنون در ادامه مطلب به تبیین و توضیح آسیب‌های یاد شده خواهیم پرداخت.

۱. فقد مطالعات میان رشته‌ای و فراتخصصی رشته‌های حقوق:

امروزه اصل «ترابط علوم»^۱ (قانعی راد، ۱۳۷۹: ۷۰-۴۰) اهمیت ویژه‌ای یافته است. مطالعات بین رشته‌ای برای تسریع و نظم بخشی این ارتباط گسترده شده است.^۲ (رضائیان، بی تا: ۹) برخی از مصادیق این حرکت عبارت است از تحصیل همزمان در دو یا چند رشته تحصیلی و یا مطالعه یک پدیده از منظر چند علم و یا تلفیق یافته‌های چند رشته علمی و در نهایت پدیداری حوزه‌های جدید که در آن مجموعه دانش و مفاهیم چند رشته علمی در ضمن هویتی جدید و منظم استفاده می‌شود. (درویش زاده، ۱۳۸۴، ۱) در قانون برنامه چهارم توسعه نیز بازنگری در رشته‌های دانشگاهی در راستای توسعه علوم میان رشته‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. (ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه)

در این میان رشته‌های دانشگاهی حقوق با فقر مطالعات میان رشته‌ای به صورت مضاعف و تشدید شده‌ای مواجه است. وجه مضاعف بودن این مشکل در حوزه رشته‌های دانشگاهی حقوق از آن جهت است که از یک سو مطالعات میان رشته‌ای به عنوان ضرورت توسعه علمی در ارتباط با همه رشته‌ها مطرح است و از دیگر سوی رشته حقوق به طور خاص از ماهیتی فراتخصصی و میان رشته‌ای برخوردار است و صرف نظر از ضرورت توسعه رشته‌های «میان رشته‌ای» ماهیت و موضوع

۱. قانعی راد - محمد امین - جامعه شناسی رشد و افول علم در ایران - انتشارات مدینه - چاپ اول -

۱۳۷۹ - صفحات ۴۰ تا ۷۰.

۲. رضائیان - دکتر علی - تجزیه و تحلیل و طراحی سیستمها - سمت - صفحه ۹.

حقوق درارتباطی تنگاتنگ باهمه رشته‌های تخصصی قرار دارد. زیرا حقوق «از روابط انسان اجتماعی بحث می‌کند»^۱ (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۳) و به عبارت دیگر «در ایجاد قواعد حقوقی از حوادث اجتماعی [در همه شئون و انواع آن و نیز از] آرمانهای اخلاقی استفاده می‌شود [لذا] ... باید نیازمندی‌های اجتماع را [در همه شئون و رشته‌های مختلف] تشخیص داد و ... مهم‌ترین قواعد و مقررات را برگزید.»^۲ (کاتوزیان، بی تا: ۶۶-۶۵) و از اینجاست اهمیت مطالعه میان رشته‌ای در حوزه حقوق به صورت مضاعف روشن می‌شود. در حال حاضر رشته‌های دانشگاهی حقوق به گونه‌ای است که محتوای آنها حداکثر ناظر به محتوای حقوقی است و نسبت به محتوای دانشهای زمینه‌ای حقوق با فقر و فقد محتوا مواجه است. البته اخیراً رشته «حقوق اقتصادی» طراحی شده و در حال اجراست اما واقعیت این است که رشته حقوق باید به صورت بین رشته‌ای در تمام زمینه‌های مرتبط مطرح شود. در این صورت انبوهی از رشته‌های بین رشته‌ای حقوق پدید خواهد آمد که محتوای آن ناظر به دانش حقوق به علاوه زمینه تخصصی حقوق خواهد بود. بر این اساس مطالعات «حقوق مضاف» در حوزه‌های مختلف پدید خواهد آمد و موجب توسعه علمی و پدیداری مرزهای جدید در منظومه رشته‌های حقوق خواهد بود. در بخش دیگر این تحقیق تلاش خواهد شد تا دهها عنوان از زمینه‌های پدیداری مطالعات بین رشته‌ای حقوق پیشنهاد شود.

۲. ضعف سلسله مراتب اهداف در رشته‌های دانشگاهی حقوق

رشته‌های دانشگاهی حقوق در پیوند با نظام بالا دستی خود جزیی از نظام آموزش عالی کشور است و در پیوند با نظام پایین دستی خود تشکیل شده از اجزایی است که هر یک از رشته‌های دانشگاهی حقوق یکی از آنهاست.

۱. جعفری لنگرودی، سید محمد جعفر. ۱۳۸۰. مقدمه عمومی علم حقوق. گنج دانش.

۲. کاتوزیان؛ ناصر. مقدمه علم حقوق - انتشارات شرکت سهامی.

آنچه مهم است تدوین و سازگاری سلسله مراتب اهداف^۱ (رضائیان، ۱۳۸۱: مبحث برنامه‌ریزی) رشته‌های حقوق در پیوند با نظام بالادستی و پایین دستی آنهاست. متأسفانه اهداف بالادستی رشته‌های حقوق که همان اهداف نظام آموزش عالی است از «ابهام‌پذیری» و شناوری بالایی برخوردار است. این اهداف متناسب با وضعیت چشم‌انداز بیست ساله کشور باید بازتنظیم شود و پس از این امر می‌توان اهداف رشته‌های حقوق به‌طور کلی و اهداف پایین دستی هر یک از رشته‌های حقوق را به‌طور خاص تدوین کرد. به نظر می‌رسد اهداف اصلی نظام آموزش در ۵ محور به شرح زیر قابل طبقه‌بندی است:^۲

۱. عرضه خدمات مورد نیاز جامعه

۲. یاددهی - یادگیری (آموزش)

۳. پژوهش

۴. دانش پژوهی (سازماندهی و عصاره کردن دانش موجود)

۵. اداره امور دانشگاهی

امتداد سلسله اهداف در سطح پایین دستی رشته‌های حقوق باید به گونه‌ای ترسیم شود که در هر یک از رشته‌های دانشگاهی حقوق مشخص باشد که هدف اصلی آن رشته، تحقق کدام یک از اهداف مزبور است و متناسب با هدف اصلی یاد شده به انتخاب دانشجویان واجد شرایط، استخدام استادان و طراحی برنامه آموزشی و درسی مربوط پرداخت. در این صورت نمی‌توان و نباید برنامه آموزشی و درسی یکسانی را برای همه کشور و همه رشته‌ها حقوقی ارائه داد. بر این اساس تدوین سلسله مراتب اهداف در رشته‌های دانشگاهی حقوق و نیز اطمینان از سازگاری میان سلسله مراتب اهداف از جمله نیازهای جدی در خصوص اثر بخشی بیشتر رشته‌های دانشگاهی حقوق به شمار می‌رود.

۱. رضائیان - دکتر علی - مبانی سازمان و مدیریت - سمت - چاپ چهارم - ۱۳۸۱ - مبحث برنامه‌ریزی

۲. نگاه کنید به سیر تحول قوانین مربوط به تشکیل و شرح وظایف وزارت علوم.

۳. ضعف روبه‌تزايد کارآفرینی و تجاری سازی دانش در رشته‌های حقوق

به‌طور سنتی رشته‌های دانشگاهی حقوق از دو وصف کارآفرینی و تجاری سازی بالایی برخوردار بوده است. اما این دو ویژگی در دهه‌های اخیر به شکل چشمگیری روبه کاستی دارد. به عبارت دیگر ضریب وابستگی دانش‌آموختگان رشته‌های حقوق به مشاغل اداری و دولتی در چند سال اخیر افزایش یافته است و در نتیجه کارآفرینی در این رشته‌ها کاهش داشته است. و همچنین رشته‌های دانشگاهی حقوق در پارک‌ها و مراکز رشد فناوری و بازارهای آموزش و نیز در پژوهش و بازارهای ایده و فناوری هیچ جایگاه شناخته شده‌ای ندارد در حالی که این مراکز به عنوان عوامل مؤثر در تجاری سازی دانش ایفای نقش می‌کند.

برای مستند شدن کاهش کارآفرینی در رشته‌های حقوق کافی است توجه شود که هم اکنون شاخص مربوط دانش‌آموختگان حقوق جویای کار از نظر قدر مطلق عددی بیشتر از ده هزار نفر انشان می‌دهد^۱ و درصد قبولی دانش‌آموختگان مزبور در آزمون‌های کانون و کلا، قضات و سردفتران عددی کمتر از ده درصد انشان می‌دهد^۲ و حتی مبنای تصویب ماده ۱۸۷ قانون برنامه توسعه کشور ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان جویای کار حقوق اعلام شد.^۳

همچنین برای مستند شدن ضعف تجاری سازی در رشته‌های دانشگاهی حقوق کافی است توجه شود که در هیچ یک از رشته‌های دانشگاهی حقوق تأمین نیازهای تخصصی مراکز تقنینی، اجرایی، قضایی و نظامی کشور ملاک عمل نبوده است و محصولات این رشته دانشگاهی به صورت مستقیم تأثیری در ارزش افزوده این مراکز بر عهده ندارد حتی شاخصهای درآمدی و کلاوسردفتران و ... در سال‌های اخیر کاهش داشته است همچنین عدم حضور دانش‌آموختگان رشته‌های حقوق در

۱. نگاه شود به گزارشهای برگزاری آزمونهای شغلی و استخدامی مشاغل حقوقی.

۲. نگاه شود به گزارشهای سالیانه مراجع مزبور در خصوص جذب نیرو.

۳. نگاه شود به مشروح مذاکرات مجلس در تصویب ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم در توسعه سال ۱۳۷۹.

پارک‌های علمی و بازارهای پژوهشی کشور نشان دیگری بر ضعف تجاری دانش در رشته‌های حقوق است براین اساس ضعف روبه‌تزايد کارآفرینی و تجاری سازی دانش نیز به‌عنوان یکی از آسیب‌های موجود در حوزه رشته‌های حقوق قابل توجه است.

۴. ناسازگاری وضعف فعلی رشته‌های حقوق با جایگاه و الزامات آن در اسناد ملی توسعه کشور

برای این که نسبت میان جایگاه فعلی رشته‌های حقوق را با الزامات و جایگاه آن در سند چشم‌انداز و برنامه چهارم بدانیم لازم است الزامات هر یک از اسناد ملی توسعه کشور به صورتی دقیق و شفاف تعیین شده باشد.^۱ متأسفانه تاکنون این موارد تدوین نشده است. اما گزاره‌های ذیل می‌تواند مختصاتی از جایگاه مطلوب رشته‌های حقوق در اسناد ملی توسعه را نشان دهد.

- مطابق سند چشم‌انداز باید در جایگاه اول علمی منطقه قرار بگیریم.
- مطابق بند دال ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه لازم است «بازنگری در رشته‌های دانشگاهی بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی در راستای توسعه علوم میان رشته‌ای با تأکید بر علوم انسانی» انجام شود.
- مطابق ماده ۴۳ قانون برنامه چهارم و برای تحقق توسعه مبتنی بر دانایی و اقتصاد مبتنی بر دانش دولت مکلف به انجام اموری شده است.
- اما برای شناخت وضعیت کنونی رشته‌های حقوق با توجه به مباحث پیشین کافی است به گزاره‌های ذیل توجه شود:
- مطالعات میان رشته‌ای در حوزه حقوق هنوز رسمیت لازم را ندارد.
- کارآفرینی و تجاری سازی و توجه به نیاز بازار کار در طراحی و اجرای رشته‌های حقوق مبنای سنجش و بررسی به حساب نمی‌آید.

۱. در زمان تحریر این مقاله از طریق رسانه‌های جمعی اعلام شده که مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین الزامات سند چشم‌انداز بیست ساله کشور را در دستور کار دارد.

- سلسله مراتب اهداف در رشته‌های حقوق تدوین نشده است.
- پوشش موضوعی رشته‌های حقوق در سطوح فراگیری قرار ندارد و نیاز به ایجاد دهها عنوان رشته جدید هست.
- ضوابط و معیارهای ایجاد رشته در حوزه حقوق مدون نیست.
بر این اساس نتیجه می‌گیریم که جایگاه فعلی رشته‌های حقوق با وضعیت مطلوب آن که در اسناد ملی توسعه آمده است فاصله بسیاری دارد و لازم است که به عنوان یک آسیب مورد مطالعه و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

۵. ضعف پوششی رشته‌های حقوق نسبت به نیازهای موجود

به نظر می‌رسد که رشته‌های فعلی حقوق تمامی نیازهای موجود را پوشش نمی‌دهد و لازم است به منظور فراگیرسازی رشته‌های حقوقی نسبت به تمامی شاخه‌های تخصصی آن اقدام جدی صورت پذیرد.

بر این اساس پنج معیار زیر شاخه‌های جدیدی که لازم است تحت پوشش یک رشته حقوقی خاص ایجاد شود بیان خواهد شد. این معیارها عبارت است از:

۱. ساختار اجرایی کشور و وجود وزارت خانه‌ای خاص در حوزه تخصصی
۲. گنجایش ظرفیت درونی حوزه حقوقی جدید و وجود حجمی قوانین و مقررات در حوزه تخصصی
۳. گنجایش بیرونی حوزه حقوقی جدید و وجود فراوانی منازعه مربوط به حوزه تخصصی
۴. گنجایش علمی حوزه حقوقی جدید و وجود رشته‌های تحصیلی مربوط با حوزه تخصصی
۵. مفاد اسناد ملی توسعه نظیر سند چشم‌انداز و برنامه چهارم و سیاست‌های کلی نظام

نتیجه اعمال هر یک از معیارهای مذکور عبارت از این شد که حداقل به ایجاد چهل رشته جدید حقوقی در منظومه رشته‌های حقوقی کشور احساس نیاز می‌شود. این

رشته‌ها تاکنون در دانشگاه‌های کشور ایجاد نشده است. و نیاز به آنها براساس وجود یک یا چند مورد از معیارهای فوق‌اثبات می‌شود. عناوین کلی این چهل رشته به شرح ذیل است:

۱. جغرافیای حقوق برای شناخت مشاغل، سازمانها، کتاب‌ها، قوانین و مقررات حقوقی
۲. تاریخ عقاید حقوقی برای شناخت سیر تطور و تحول نظریه‌های حقوقی و استفاده از آنها در سطوح مختلف
۳. حقوق دیپلماسی و کنسولی برای تأمین نیاز حوزه‌های دیپلماسی و با ترکیب حقوق علوم سیاسی و اقتصادی
۴. حقوق ساختمان و مسکن
۵. حقوق صنعتی
۶. حقوق فرهنگ و هنر
۷. حقوق نفت و انرژی
۸. حقوق دفاعی و جنگی
۹. حقوق بانکی
۱۰. حقوق گمرکی
۱۱. حقوق مالیاتی
۱۲. حقوق تربیتی
۱۳. حقوق رسانه و مطبوعات
۱۴. حقوق محیط زیست
۱۵. حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات
۱۶. حقوق حرفه و فن (کار)
۱۷. حقوق دریایی
۱۸. حقوق هوایی
۱۹. حقوق کشاورزی
۲۰. حقوق منابع طبیعی و جنگلداری
۲۱. حقوق صنایع غذایی و آرایشی و بهداشتی
۲۲. حقوق تعاونی
۲۳. حقوق ثبتی
۲۴. حقوق اصلاح و تربیت
۲۵. حقوق بازرگانی
۲۶. حقوق راه و ترابری
۲۷. حقوق امنیتی و انتظامی
۲۸. حقوق میراث فرهنگی و گردشگری
۲۹. حقوق شهری و شهرداری
۳۰. حقوق روستایی
۳۱. حقوق ورزشی
۳۲. حقوق رفاه اجتماعی
۳۳. حقوق بیمه
۳۴. حقوق علوم و فناوری
۳۵. حقوق زنان و خانواده
۳۶. حقوق ارتباطات
۳۷. حقوق مالی و اداری
۳۸. حقوق تطبیقی
۳۹. حقوق عملی باگرایشهای قضاوت، وکالت و سردفتری
۴۰. فلسفه حقوق.

۶. ضعف ارتباط متناظر و مستقیم رشته‌های تحصیلی حقوق با رشته‌های شغلی حقوق

در حال حاضر طیف وسیعی از مشاغل به دانش‌آموختگان حقوقی اختصاص یافته است. رشته‌های شغلی مزبور از تنوع بسیاری برخوردار است و وظایف شاغلان در هر یک از رشته‌های شغلی با یکدیگر کاملاً متفاوت است. در یک طبقه‌بندی از

رشته‌های شغلی حقوقی می‌توان آنهارا به شش رشته شغلی اصلی و بیش از بیست رشته شغلی فرعی تقسیم کرد. این طبقه‌بندی در جدول ذیل منعکس است.

جدول طبقه‌بندی رشته‌های اصلی و فرعی مشاغل حقوقی

ردیف	رشته شغلی اصلی	رشته شغلی فرعی
۱	مشاغل اداری	۱ - در ستاد قوه قضاییه ۲ - در سازمانهای وابسته به قوه قضاییه ۳ - در نیروهای مسلح ۴ - در سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی
۲	مشاغل قضایی	۱ - در دادسرا ۲ - در دادگاهها ۳ - در دیوان عالی کشور ۴ - در مراجع شبه قضایی ۵ - در دیوان عدالت اداری
۳	مدرسی حقوق	۱ - در مراجع رسمی دانشگاهی ۲ - در مراجع غیر رسمی و ضمن خدمت ۳ - در موضوعات مختلف حقوقی
۴	تحقیق و نویسندگی حقوق	۱ - در موضوعات تخصصی حقوق ۲ - در موضوعات عمومی حقوق
۵	مشاغل آزاد حقوق	۱ - وکالت ۲ - سر دفتری ۳ - مشاوره حقوقی
۶	سایر مشاغل حقوق	۱ - قانونگذاری ۲ - مدیریتی ۳ - مشورتی

وقتی رشته‌های دانشگاهی حقوق را در مقایسه با رشته‌های شغلی حقوق می‌سنجیم به دو نکته کاملاً مهم می‌رسیم: نکته اول این که وظایف شاغلان در هر یک از رشته‌های شغلی حقوق کاملاً از دیگری متفاوت است. نکته دوم این که رشته‌های دانشگاهی حقوق متناسب با تفاوت‌های رشته‌های شغلی حقوق طراحی نشده است. به عبارت دیگر کسی که می‌خواهد در رشته شغلی سر دفتری مشغول به کار شود از نظر رشته دانشگاهی با کسی که می‌خواهد در رشته شغلی مدرسی حقوق مشغول به کار شود هیچ تفاوتی ندارد. به عبارت دیگر رشته‌های دانشگاهی به صورت متناسب و متناظر با رشته‌های شغلی طراحی نشده است. بنابراین، نیازهای

عملی شاغلان و تفاوت‌های وظایف آنها با خواندن رشته‌های دانشگاهی تأمین نمی‌شود. این موضوع یکی از آسیب‌های جدی رشته‌های دانشگاهی حقوق است که بازنگری در آن ضروری است. البته لازم به یادآوری است که نیاز به تناظر رشته‌های دانشگاهی با رشته‌های شغلی به معنای حذف طبقه‌بندی فعلی رشته‌های دانشگاهی نیست، بلکه این تناظر باید در سلسله مراتب طبقه‌بندی رشته‌های دانشگاهی لحاظ شود. به عبارت دیگر برای رفع این مشکل می‌توان تعداد واحدهایی متناسب با وظایف هر یک از رشته‌های شغلی را به عنوان «واحدهای گرایش شغل» در هر یک از رشته‌های دانشگاهی حقوق تعبیه کرد. به این ترتیب هم رشته دانشگاهی جامع‌تر خواهد بود و هم دانشگاه تعهد بیشتری در کارآمدسازی تحصیلات حقوقی به عهده می‌گیرد و هم از تراکم فعالیت‌های آماده‌سازی برای احراز مشاغل کاسته می‌شود و مشکلات دانش‌آموختگان و سازمان‌ها نیز کاهش می‌یابد و آنها توانایی لازم برای انجام وظایف شغلی خود را به دست می‌آورند.

۷. ضعف و ناکارآمدی ضوابط و معیارهای مربوط به ایجاد رشته‌های حقوق

برای ایجاد رشته‌های حقوقی ضوابط و معیارهای مدوئی وجود ندارد^۱. رشته‌های موجود فعلی نیز از ضوابط و معیارهای همگن و یکنواختی تبعیت نمی‌کند. حافظه‌سازمانی و مستندات مربوط به این ضوابط وضعیت روشنی ندارد. این مسئله موجب شده است که از یک طرف برخی از رشته‌های حقوقی موجود بدون داشتن اولویت و الزامات معناداری دائر شود و مشکلات دانش‌آموختگان جویای کار در این حوزه پدید آورد و از طرف دیگر بعضی از رشته‌های حقوقی با وجود داشتن اولویت و اثربخشی لازم جایگاهی پیدا نکند. عناوین برخی از رشته‌ها بانگاهی به آنچه در این مقاله آمده قابل شناسایی است.

۱. در حال حاضر ضوابط تشکیل رشته‌های دانشگاهی فاقد ضوابط و استاندارد ویژه رشته‌های حقوقی است.

برای تدوین معیارهای ایجاد رشته‌های جدید حقوق باید اصولاً ضوابط و معیارهای مدنظر در ایجاد رشته‌های فعلی حقوق شناسایی شود و ثانیاً بازنگری و باز تنظیم این ضوابط و معیارها با توجه به سلسله مراتب اهداف آموزش حقوق انجام شود. ثالثاً رعایت معیارهای مصوب در ایجاد رشته‌های دانشگاهی جدید کاملاً جدی گرفته شده و رعایت شود. زیرا دیده شده است که برخی از معیارهایی که تاکنون هم نوشته شده است جدی گرفته نمی‌شود و معیارهایی چون توان چانه‌زنی متقاضی و امثال آن گاهی اولویت یافته است.

۸. کهنگی و به روز نشدن رشته‌های حقوق

رشته‌های موجود دانشگاهی حقوق متناسب با تغییرات اجتماعی تغییر نکرده است. مهم‌ترین گرایش‌های موجود در حوزه حقوق رشته‌هایی است که چندین دهه از آن می‌گذرد. (درویش زاده، بی تا: ۱۰۰) به روز نشدن رشته‌های حقوقی جدید موجب شده که قوه قضاییه در تخصصی کردن دادگاه‌ها و مراجع قضایی ناکام بماند. این در حالی است که به موجب نص ماده ۱۸۸ قانون برنامه سوم توسعه کشور قوه قضاییه مکلف به تخصصی کردن مراجع قضایی بوده است. اما به دلیل فقدان مبنا و الگو و منابع مورد نیاز جهت تخصصی کردن دادگاه‌ها و عدم ایجاد رشته‌های تخصصی جدید، قوه قضاییه نیز توفیقی در این زمینه به دست نیاورد و این مسئله به خوبی تأثیر آسیب موجود در رشته‌های حقوق را بر ناکامی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور نشان می‌دهد.^۱ بر این اساس ضرورت دارد که برای به روز رسانی و تخصصی کردن رشته‌های حقوق مطالعات نظام‌مندی به انجام برسد.

۹. ضعف ارتباط درختی در سطوح افقی و عمودی آموزش حقوق

طراحی و توزیع محتوای آموزش‌های حقوق در سطح افقی (همگانی، متوسط و رشته‌های دانشگاهی غیرحقوق) و سطح عمودی (رشته‌های دانشگاهی حقوق) وضعیت متوازی ندارد و از ساختار درختی تبعیت نمی‌کند. به این معنا که در سطح

۲. نگاه شود به مذاکرات مجلس در تصویب ماده ۱۸۸ قانون برنامه سوم توسعه.

افقی محتوای آموزشهای حقوقی برای سطح همگانی و عموم مردم مشخص نشده است. این آموزشها در سطح متوسط نیز جایگاه درخوری ندارد و افراد با طبقه‌بندی محتوای حقوق و مسایل مبتلا به آشنا نمی‌شوند و از این رهگذر نظام اجتماعی و عرفی ما از نظم حقوقی مناسب برخوردار نمی‌شود. در رشته‌های دانشگاهی غیر حقوق نیز پیش‌بینی لازم جهت آشنایی افراد با نیازمندی‌های حقوقی زندگی در عصر کنونی وجود ندارد، بلکه مقدمه علم حقوق با ساختاری که در چندین دهه قبل شکل گرفته است و ناظر به نیازمندیهای حقوق و اجتماع کنونی نیست همچنان ارائه می‌شود.^۱

در سطح عمودی نیز وضعیت مشابهی داریم زیرا در طول آموزش‌های دانشگاهی رشته‌های حقوق نیز آشنایی کامل با «جغرافیای حقوق» پیش‌بینی نشده است در نتیجه دانش‌آموختگان حقوق آشنایی متناسبی با مسایل ذیل پیدانمی‌کند. رشته‌های تحصیلی حقوق، سازمان‌های مرتبط با مسایل حقوقی، چند و چون مشاغل حقوقی، طبقه‌بندی قوانین حقوقی، منبع‌شناسی و کتاب‌شناسی حقوق و امثال آن. بر این اساس نتیجه می‌گیریم که توزیع و طراحی محتوای آموزش‌های حقوق در سطح افقی و عمودی وضعیت موزون و متناسبی ندارد لذا لازم است رشته‌های حقوقی از این جهت آسیب‌زدایی و با معیار توازن در توزیع و طراحی محتوای آموزشی حقوق مورد بازنگری قرار گیرد.

۱۰. ضعف مطالعات تطبیقی در رشته‌های حقوق

هر چند با ایجاد شاخه‌های مطالعه تطبیقی در رشته‌های مختلف حقوق قبلاً اشاره شد، مبانی، آثار و عوامل نیاز به مطالعه تطبیقی حقوق چنان‌اهمیتی دارد که ایجاب می‌کند به‌طور خاص بر ضعف مطالعات تطبیقی در رشته‌های حقوق تأکید کنیم.

۱. نگاه شود به سرفصل‌های مصوب درس مقدمه علم حقوق.

در این زمینه بافقر منابع، محتواورشته‌های دانشگاهی مواجهیم^۱ و راه حل برون رفت از آن نیز توجه به ضعف مفروطی است که رشته‌های دانشگاهی حقوق از آن رنج می‌برد.

آسیب‌های مرتبط بانظام‌اجرایی آموزش حقوق

منظور از آسیب‌های نظام‌اجرایی وضعیتی است که درخصوص مجریان، استادان، مقررات آموزشی، روش‌های آموزشی، وارزشیابی پیشرفت تحصیلی و نیازهای جامعه ایرانی وجود دارد و این وضعیت در نهایت منتهی به آسیب و ایجاد مشکل به شرح ذیل می‌شود.

۱. آسیب‌های ناشی از پراکندگی و ناهمترایی مجریان آموزش حقوق

توجه به شاخص‌های کمی توسعه آموزش حقوق موجب شده است که این آموزش‌ها از نظر جغرافیایی پراکندگی بسیاری پیدا کنند و در اقصا نقاط کشور رشته‌های آموزشی حقوق دایر شود.^۲ به تبع پراکندگی جغرافیایی، ناهمترایی در مجریان آموزش‌های حقوق پدید آمده است. منظور از ناهمترایی مجریان عبارت است از وجود تفاوت‌های معنادار میان مجریان آموزش‌های حقوق از نظر دسترسی به استانداردهای استاد، دانشجو، محتوا و سایر درون‌دادها و برون‌دادهای آموزشی.^۳ فعال شدن مراجع مختلف دولتی، آزاد و نیمه خصوصی درباره آموزش‌های حقوقی موجب پدیداری آسیب ناهمترایی در آموزش حقوق شده است و در نتیجه کیفیت آموزش‌های حقوقی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. وجود هزاران دانش‌آموخته جویای کار در رشته‌های حقوقی که به کسب حداقل نصاب قبولی در

۱. بنگرید به آخرین ویرایش از CD کتاب شناسی ایران - وزارت ارشاد - خانه کتاب - ذیل واژه حقوق تطبیقی.

۲. نگاه کنید به دفترچه‌های پذیرش دانشجو و انتخاب رشته در دانشگاه‌های سراسر کشور.

آزمون‌های شغلی موفق نمی‌شود از آثار این آسیب به حساب می‌آید. برای برون رفت از این وضعیت لازم است تدابیر و معیارهایی طراحی شود تا ضمن حفظ شاخص‌های کمی بتوان سطح ناهمترازی مجریان آموزشی حقوق را کاهش داد.

۲. آسیب‌های ناشی از مقررات آموزش حقوق

علاوه بر پراکندگی و ناهمترازی مجریان آموزش حقوق باید به آسیب‌های ناشی از تنوع پذیری در حوزه مقررات آموزشی حقوق اشاره کرد. البته تنوع و تفاوت مقررات آموزش حقوق در مراجع مختلف دولتی و آزاد، فی نفسه می‌تواند به منزله «ساز و کار انعطاف» بوده و موجب انطباق هر چه بیشتر برنامه درسی و آموزشی حقوق با شرایط و دانسته‌های قبلی فراگیران شود. اما مواردی همچون تعداد و نوع واحدهای درسی نیز اختیاری یا الزامی بودن آنها و همچنین ساز و کارهای کنترل درباره اجرای دقیق هر یک از مؤلفه‌های مصوب برنامه درسی و آموزشی خصوصاً مقررات راجع به کنترل سرفصل‌های آموزشی باید از تناسب و یکنواختی خاصی برخوردار باشد تا حداقل‌های آموزش حقوق در هر یک از رشته‌ها و مراجع آموزشی تأمین شود. بر این اساس سازگار سازی و استاندارد سازی مقررات آموزشی حقوق با لحاظ ساز و کارهای انعطاف باید در دستور کار مراجعی قرار گیرد که مأموریت ارتقای سطح آموزش‌های حقوقی را بر عهده دارند.

همچنین برای انعطاف پذیری مقررات آموزشی رشته‌های حقوق متناسب با زمینه مطالعاتی و نیازها و علایق فردی دانشجویان پیشنهاد می‌شود، ترتیبی اتخاذ شود که دانشجویان مجاز باشند تا حداکثر ۳۰ واحد درسی را ضمن ۲ ترم تحصیلی علاوه بر مواد درسی رشته تحصیلی خود بگذرانند. بدیهی است این ۳۰ واحد صرفاً برای تأمین نیازها و علایق فردی دانشجویان در رشته مورد نظر آنان پیش‌بینی شده و به منزله رشته فرعی آنان محسوب خواهد شد و مدرک مربوط رانیز دریافت خواهند کرد. به این ترتیب مشکلات ناشی از عدم ارتباط بین رشته‌های تحصیلی با نیازهای واقعی و علایق و استعداد فردی دانشجویان نیز از میان خواهد رفت.

۳. آسیب‌های ناشی از وضعیت استادان آموزشی حقوق

واقعیت این است که استادان مسلم‌آموزش‌های حقوقی به لحاظ فردی، اخلاقی، علمی و حرفه‌ای دارای فضایل و برجستگی‌های فراوانی هستند. پاسداشت حرمت استادان نیز بر صاحب این قلم فرض است و سزاوار، خوشه‌چینی و بهره‌بری مستقیم یا غیر مستقیم و از طریق متون تألیفی استادان حقوق نیز از افتخارات نویسنده است اما با وجود این باید به آسیب‌های ناشی از وضعیت استادان آموزش حقوق هم فهرست وار به شرح ذیل اشاره کرد.^۱

- مهارت‌ها و توانایی‌های علمی میان استادان نسل‌های اول تا سوم آموزش حقوق در کشور ما وضعیت ایستایی داشته است. به عبارت دیگر با وجود پیدایی و پیشرفت مهارت‌های تدریس و آموزش و تحول در نظریه‌های یادگیری استادان نسل دوم و سوم تمایلی به استفاده تکنیکی از این یافته‌ها ندارند و از این جهت همانند استادان نسل اول که در غیاب این تغییرات می‌زیسته‌اند عمل می‌کنند.

- مدرسان حقوق نسبت به اهداف، اصول، فلسفه و روش‌های آموزشی آموخته‌های ویژه‌ای ندارند و نیازی هم به این مقوله احساس نمی‌کنند.

- متون، منابع و ادبیات تخصصی برای ایجاد دانش، مهارت و نگرش‌های مثبت استادان نسبت به موارد فوق وجود ندارد و نزدیک کردن دیدگاه‌های استادان در خصوص این موارد ممکن نیست و در همان حال شناخت صحیحی نیز از این مفاهیم وجود ندارد.

- مهم‌ترین ضابطه و معیار استادان در بهره‌وری از روش‌های آموزشی و فنون تدریس اتکای به تجارب فردی است و توجهی به ادبیات تخصصی موجود در این حوزه نمی‌شود.

۱. در زمان تحریر این مقاله از طریق رسانه‌های جمعی اعلام شده که مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین الزامات سند چشم‌انداز بیست ساله کشور را در دستور کار دارد.

- میزان تعهد برخی از استادان به مؤلفه‌های برنامه درسی خصوصاً سرفصل‌های مصوب‌راضی‌کننده نیست.

- تمایل به وجود رابطه‌مرادی و مریدی بین استاد و دانشجو آن هم در حوزه‌های علمی گاهی مشاهده می‌شود.

بر این اساس و برای غلبه بر آسیب‌های ناشی از وضعیت مدرسان حقوق ضرورت دارد تا در قالب فرصت‌های مطالعاتی و نیز آموزش‌های ضمن خدمت و همچنین در تدوین ضوابط و شرایط «مدرسی حقوق» تدابیری اندیشه‌شود تا مدرسان حقوق نسبت به گذراندن آموزش‌هایی با هدف‌آشنایی با فلسفه، اهداف، روش‌های آموزشی و فنون و مهارت‌های تدریس اقدام کنند. همچنین استقرار سیستم پایش و کنترل برای اطمینان از کاربرد این مهارت‌ها و ارتقای کیفیت آموزش‌های حقوقی ضروری است.

۴. آسیب‌های ناشی از ضعف سیستم بازخورد ارزشیابی آموزش حقوق

آسیب‌های موجود در این حوزه مستقیماً در کیفیت آموزش‌های حقوقی و کارآمدی دانش‌آموختگان حقوق مؤثر است. برخی از این آسیب‌ها عبارتند از:

عدم تعبیه و تعریف ساز و کار «ارزشیابی تکوینی»^۱ و نیز «ارزشیابی پایانی»^۲ در رشته‌های آموزشی حقوق.

- تمرکز بر نظام «حفظ محور» در سیستم ارزشیابی آموزش‌های حقوق به جای نظام «پژوهش محور»

- عدم توجه به مکانیزم‌های ماندگاری اطلاعات در ارزشیابی‌های آموزشی

۱. معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - در جستجوی راهکارهای تدوین متون

درسی انتشارات مؤسسه - صفحه ۵۵ به بعد.

۲. همان.

- ضعف ارزشیابی‌های آموزشی از نظر اندازه‌گیری مهارت‌های انجام کار حقوقی و جای خالی برنامه‌های کارورزی و کار عملی در نظام ارزشیابی آموزشهای حقوق
- قطع ارتباط نظام ارزشیابی با دانش‌آموختگان حقوق به منظور اندازه‌گیری و تعیین نقاط ضعف و قوت آموزش‌های گذشته

- برای غلبه بر مشکلات و آسیب‌های مربوط به نظام ارزشیابی آموزشی حقوق لازم است با استفاده از یافته‌های حوزه تخصصی «ارزشیابی آموزشی» نسبت به مهندسی مجدد نظام آموزشی در حوزه حقوق اهتمام ورزید؛ زیرا به معنای واقعی کلمه نظام ارزشیابی آموزشی در حوزه حقوق از ابتدا هم فاقد هندسه علمی و نظام‌وار بوده است.

۵. آسیب‌های ناشی از وضعیت بازار و تغییر شتابان جامعه ایرانی

واقعیت این است که جامعه ایرانی به تبع جامعه جهانی و شاید با شتابی بیشتر از میانگین جامعه جهانی در حال تغییر و تحول به نظر می‌رسد. این موضوع جغرافیای حقوق در جامعه ایران را به طور شتابنده‌ای دستخوش تغییر و تحول کرده است. در این جغرافیا به طور مستمر نواحی جدیدی پدید می‌آید و مناطقی تغییر می‌کند و قسمت‌هایی حذف می‌شود. این تغییرات در لباس مجموعه قوانین سنواتی و مجموعه کتاب‌های چاپ اول حقوق و پدیداری سازمان‌ها و مشاغل جدید حقوقی و تغییر یا محو سریع آنها پدیدار می‌شود. در نتیجه تغییرات مستمر در نواحی مختلف جغرافیایی حقوق (سازمانها، مشاغل، قوانین و کتابهای حقوقی) موجب می‌شود که آموزش حقوق در رشته‌های مختلف آن با نیاز بازار و تغییرات شتابنده هماهنگ نباشد. به عنوان مثال با پیدایی شوراهای حل اختلاف و تأسیس مشاوره‌های حقوقی و دهها کمیسیون شبه قضایی دیگر، نیاز به آموزشهای حقوقی با ساختار و سازماندهی متناسب با این مشاغل مطرح می‌شود و ناکارآمدی دانش‌آموختگان رشته‌های قبلی حقوق در این میدان‌ها پدید می‌آید و عدم همراهی نظام آموزش حقوق با تغییرات اجتماعی مطرح می‌شود.

برای غلبه بر آسیب‌هایی از این دست که ناشی از وضعیت بازار و تغییر شتابان جامعه ایرانی^۱ است لازم است نظام‌های اجرایی و عملی آموزش حقوق بر پایه تحقیقات و نیازسنجی دقیق از وضعیت حال و آینده جامعه طرح ریزی شود و مطالعات «بازاریابی» به معنای تخصصی کلمه اهمیت و جایگاه درخوری پیدا کند. همچنین ارتباط بیش از پیش مراجع دانشگاهی حقوق با بازارهای کار حقوق ضرورت دارد.

۶. آسیب‌های ناشی از روشها و فناوری آموزش حقوق

در حال حاضر آموزش‌های حقوقی با حداقل استفاده از فناوری آموزشی انجام می‌شود. تصویر سازی از مفاهیم و مباحث پیچیده حقوقی مرسوم نیست و انتقال مفاهیم از طریق کلمات و قدرت ذهنی انجام می‌شود در حالی که با به کارگیری فناوری^۲ آموزشی می‌توان روابط پیچیده میان مباحث و مفاهیم حقوقی را با استفاده از اشکال و نمودارها و جداول مختلف بیان کرد. همچنین استفاده از رایانه و اورهد و پرژکتور و اسلاید و امثال آن در روش‌های آموزشی حقوقی می‌تواند تحول معناداری پدید آورد. همچنین ترسیم فرایندها و طراحی فلوجارت‌ها و روند نمای مباحث حقوقی و دسته‌بندی‌های منطقی از این مباحث می‌تواند ارائه آموزش‌ها را به صورت پاورپوینت متحرک ممکن سازد. تحولی که در اثر کاربرد تکنولوژی آموزشی در حوزه آموزش‌های حقوقی می‌تواند پدید آید به گونه‌ای است که می‌توان انبوهی از کلمات را در قالب یک شکل، تصویر و نمودار، ملموس و قابل رویت ساخت و از این طریق به ماندگاری مطالب و انطباق آموزش‌های حقوقی با نظریه‌های یادگیری جامعه تحقق بخشید. جالب است اشاره شود که تجربه انجام این

۱. به عنوان نمونه نگاه کنید به گزارشهای قوه قضاییه در خصوص برنامه‌های توسعه بخش ۵ ساله اول و دوم.

۲. احدیان - دکتر احمد - تکنولوژی آموزشی.

کار به دست‌نگارنده وجود دارد ضمن این‌که در فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور نیز کاربرد فناوری در آموزش حقوق را شاهد بوده‌ایم.

آسیب‌های مربوط به متون آموزشی حقوق در ایران

مهم‌ترین آسیب‌های راجع به متون آموزشی حقوق عبارت‌است از فقدان معیار و ضوابط مربوط به متون آموزشی حقوق و نیز فقدان سنت نقد کتاب، توضیح این آسیب‌ها به شرح ذیل است.

۱. آسیب‌های راجع به فقدان معیار و ضوابط مربوط به متون آموزشی حقوق

منابع و متونی که در حال حاضر برای آموزش حقوق استفاده می‌شود از نظر کمی و کیفی یکنواخت نیست. تفاوت‌های کیفی و محتوایی در این متون کاملاً مشهود است با وجود این می‌توان ادعا کرد که قریب به اتفاق متون آموزشی حقوق از یک ویژگی مشترک برخوردار است. این ویژگی عبارت‌ست از فقدان معیار و ضوابط یکنواخت حاکم بر متون آموزشی حقوق. اساساً در وضعیت فعلی تفاوتی میان متن آموزشی با متن علمی و متن تحقیقی حقوق تعریف نشده است. این در حالی است که توسعه علوم تربیتی و یافته‌های علم برنامه‌ریزی درسی بر وجود تفاوت‌های بنیادین میان متون آموزشی علمی و تحقیقی تأکید دارد. ضعف و فقدان معیارهای مربوط به متون آموزشی حقوق به نحوی است که شاید بتوان گفت اصولاً هیچ متن حقوقی وجود ندارد که کاملاً بالحاظ معیارهای آموزشی بودن تنظیم شده باشد. برای توضیح بیشتر به برخی از معیارهای متون آموزشی اشاره می‌شود.

الف) رعایت اصول یادگیری (ماکی، بی‌تا: ۶۱): در تنظیم و سازماندهی محتوای کتابهای آموزشی لازم است اصول یادگیری رعایت شده باشد برخی از این اصول عبارت است از: اینکه ۱. یادگیری به صورت فعال روی می‌دهد ۲. یادگیرنده نیاز به راهنمایی و بازخورد دارد ۳. زمان لازم برای یادگیری باید لحاظ شود و ...

ب) رعایت اصول سازماندهی محتوا (همان: ۶۴): سازماندهی محتوای کتاب‌های آموزشی باید با رعایت اصولی به شرح ذیل انجام شود: ۱. سازماندهی مطالب از

ساده به مشکل باشد^۲. سازماندهی محتوا از کل به جزء باشد^۳. حرکت یادگیری از معلوم به مجهول باشد^۴. در سازماندهی مطالب از روش‌های رایج استفاده شود^۵. روش‌ها و فنون تدریس در تنظیم محتوا لحاظ شود.

ج) رعایت ساختار و مراحل تدوین متون آموزشی: منابع آموزشی از ساختار خاصی بهره دارد و مراحل پدیدآوری آن از فرایندی خاص برخوردار است که به لحاظ جلوگیری از اطاله کلام از اشاره به آن پرهیز می‌شود.

از توجه به این وضعیت نتیجه می‌گیریم که اولاً لازم است در خصوص تدوین معیارها و ضوابط مربوط به متون آموزشی حقوق مطالعات روشمندی انجام شود و ثانیاً مطابق این معیارها و ضوابط متون آموزشی حقوق طراحی و تدوین شود.

۲. آسیب فقدان سنت نقد کتاب و تضارب آراء و تبادل علمی

به‌طور کلی متون حقوقی از ضعف یا فقدان سنت نقد کتاب رنج می‌برد. به‌طوری که از میان بیش از چهارصد عنوان کتاب چاپ اول حقوقی سال ۸۴ که بررسی شده است (کتابنامه حقوقی سال ۱۳۸۴) حتی یک درصدهم در حوزه نقد کتاب قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که اولاً کارکردهای نقد کتاب و «ردیه نویسی» در تضارب آراء و تبادل علمی نقش کارسازی دارد^۱ و ثانیاً ارزش تاریخی و علمی تحولات نظریه‌های حقوقی در گرو فعال شدن سنت نقد کتاب قرار دارد و ثالثاً در غیاب این روش‌های علمی نیش و کنایه و تعریض و تعرض‌هایی که گاه باشان و جایگاه نویسندگان حقوقی سازگاری ندارد جایگزین سنت نقد کتاب می‌شود. لذا ضرورت دارد موانع و عوامل مرتبط با نقد کتاب حقوقی شناسایی شده و مراجع مسؤول در این حوزه مشخص شوند.

۳. سایر آسیب‌های مرتبط با متون آموزشی حقوق

برخی دیگر از آسیب‌های رایج به متون آموزشی حقوق عبارت است از موارد ذیل:

- عدم تناظر بسیاری از متون آموزشی با سرفصل‌های آموزشی مصوب

۱. نگاه کنید به نشریات تخصصی در حوزه نقد و معرفی آثار.

- عدم تناسب بسیاری از متون آموزشی با زمان و طول مدت آموزشی مربوط
- تمرکز متون آموزشی بر شکل نوشتاری و فقر منابع دیداری و شنیداری آموزش حقوق^۱
- فقر متون آموزشی از نظر طراحی و گنجاندن فعالیت‌های یادگیری
- ضعف ساختاری متون موجود از نظر استانداردهای آموزشی
- ضعف متون آموزشی تنظیم شده با روش قضیه نگاری و مطالعه موردی که وصف کاربردی آن مورد اتفاق متخصصان است.

آسیب‌های راجع به سرفصل‌های آموزشی حقوق:

اصولاً سرفصل‌های آموزشی تنها یکی از اجزای برنامه‌درسی و آموزشی است و برای بررسی هر عنصر جزئی ضرورت دارد تا سایر اجزای مرتبط با آن و نیز مجموعه حاصل از همه اجزا (کل) بررسی شود و میان آنها سازگاری برقرار باشد. باید هر یک از سرفصل‌های آموزشی در ارتباط با سایر عناصر و اجزا همچون اهداف - عنوان - پیش‌نیازها - طول مدت آموزش - نقش و توانایی مورد انتظار از فراگیر - روش آموزشی - و امثال آن مورد بررسی قرار گیرد. با وجود این به دلایل متعدد به بررسی آسیب‌های مرتبط با سرفصل‌های آموزشی حقوق به صورت کلی می‌پردازیم و از بحث جزئی و موردی پرهیز می‌شود. این دلایل عبارت است از: گستره و تخصصی شدن مباحث - اهمیت خاص سرفصل‌ها در مقایسه با سایر اجزای برنامه - موضوع و هدف تحریر این مقاله و ... اما آسیب‌های کلی و فراگیری که غالباً در تمامی سرفصل‌های آموزشی حقوق به چشم می‌خورد به شرح ذیل است:

۱. مقایسه کنید روش‌های ساختاردهی به محتوای کتابهای آموزش حقوقی با سایر رشته‌ها.

۱. آسیب‌ایستایی و کهنگی سرفصل‌ها

طبیعت مسایل علمی ماهیتی پویا و نوشونده دارد (یغما، ۱۳۷۷: ۷) اما عناوین کلی آموزش‌های حقوقی و سرفصل‌های مربوط در اکثر موارد؛ مربوط به چند دهه قبل است و حتی در بعضی موارد بیش از هفتاد سال است که تغییر معناداری نداشته است^۱ (مبارکیان، ص ۲۳) تغییر، تجدیدنظر و به‌روزرسانی در قریب به اتفاق سرفصل‌های آموزشی حقوق راه نداشته است و از تاریخ تصویب اولیه آنها همچنان معتبر است (همان) برای رفع این مشکل لازم است مرجع و مأموریت پویاسازی سرفصل‌های آموزشی و به‌روزرسانی آنها مشخص شود.

۲. ضعف مستندسازی در تدوین سرفصل‌ها

معمولاً سابقه و مستندی در خصوص سرفصل‌های آموزشی حقوق وجود ندارد یا قابل دسترسی نیست. نگارنده برای جستجوی پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل موارد ذیل با مراجع مختلف ارتباط برقرار کرد اما سابقه مستندی در خصوص سؤال‌های مربوط به دست نیامد این سؤال‌ها عبارت‌اند از:

پیشنهاد اولیه سرفصل‌ها از ناحیه چه مرجعی بوده است؟ مبانی و مستندات مرجع تقاضا کننده اولیه چه بوده است؟ مرجع تصویب کننده سرفصل‌ها چه تغییراتی در سرفصل‌های اولیه ایجاد کرده است؟ مبانی ایجاد تغییرات چه بوده است؟ مراحل و فرایند تصویب سرفصل‌ها چگونه طی شده است؟ و در مواردی حتی دسترسی به سرفصل‌های مصوب یک رشته تحصیلی خاص به سادگی مقدور نیست.

۳. عدم دخالت متخصصان آموزشی و درسی در تدوین سرفصل‌ها

برای تدوین سرفصل دوره آموزشی لازم است اولاً مبانی و روش تحقیق از فرایند نظام‌داری تبعیت کند. ثانیاً فرایند مزبور مستلزم انجام کار گروهی و استفاده از تخصص‌های متعدد و مکمل است. (یغما، ۱۳۷۷: ۸۷-۹۰) ثالثاً اکثر این تخصص‌ها مربوط است به حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی. برخی از این تخصص‌ها عبارت

۲. مبارکیان. عباس. تاریخچه نظام آموزش عالی حقوق و عدلیه نوین. نشر پیدایش.

است از مهارت‌های تدریس، طراحی آموزشی، طراحی درسی، روان‌شناسی یادگیری، مهارت‌های سنجش و آزمون، مهارت‌های رسانه - فناوری آموزشی، کتابداری و ... این درحالی است که در تدوین سرفصل‌های آموزشی حقوق نوعاً متخصصان موضوع حقوقی مشارکت داشته‌اند و معمولاً دخالت متخصصان آموزشی و درسی در تدوین سرفصل‌های آموزشی حقوق نادیده گرفته شده است. این موضوع هم از مراجعه به سوابق قابل دسترسی در خصوص رشته‌های تحصیلی مراجع تصویب‌کننده سرفصل‌های آموزشی استفاده می‌شود و هم بانگاهی به ساختار سرفصل‌نویسی رشته‌های حقوقی مشهود است زیرا در بیشتر موارد، قواعد ظاهری و ساختاری تنظیم سرفصل نیز در آن رعایت نشده است. به‌طور کلی ضعف روش‌شناسی و قانونمندی‌های تدوین سرفصل‌های آموزشی در حوزه حقوق کاملاً مشهود است. برای رفع این آسیب لازم است اولاً کلیه سرفصل‌های آموزشی حقوق از زاویه تخصص‌های مزبور بازنگری شود و ثانیاً برای طراحی و تدوین و تصویب سرفصل‌های جدید در حوزه آموزش‌های حقوقی بررسی جامعی راجع به قانونمندی‌های تدوین سرفصل‌ها انجام شود.

۴. تک بعدی بودن سرفصل‌های آموزشی

آموزش اثر بخش باید به تغییر رفتار فراگیر منتهی شود. برای تغییر رفتار هم باید در سه حوزه تغییر اتفاق بیفتد^۱. که عبارت است از حوزه دانش (دانستنی‌ها)، حوزه مهارت (توانستنی‌ها) و حوزه نگرش (خواستنی‌ها) برای تغییر در هر یک از این سه حوزه باید سرفصل‌های آموزشی متناسب با آن طراحی شود. در غیر این صورت تغییر رفتار اتفاق نمی‌افتد و در نتیجه آموزش اثر بخش پدید نمی‌آید.^۲ ارزیابی سرفصل‌های آموزشی حقوق از این زاویه نتیجه می‌دهد. که غالباً سرفصل‌های آموزشی معطوف به حوزه دانشی (دانستنی‌های) فراگیران است. به عبارت دیگر سرفصل‌های آموزشی

۲. فیوضات - مبانی برنامه‌ریزی آموزشی.

۱. ملکی - دکتر حسن - برنامه‌ریزی درسی راهنمای عملی - پیام اندیشه .

به گونه‌ی نوشته شده‌است که تنها برانتقال مفاهیم تأکید دارد.^۱ درحالی‌که امروزه به مدد یافته‌های علوم تربیتی ثابت شده‌است که «انتقال مفاهیم» به‌تنهایی نمی‌تواند مفید باشد؛ زیرا ارتقای مهارت‌ها و توان به‌کار بردن دانش و نیز بهبود نگرش‌ها و تنظیم دانش مطابق نظام‌ارزشی و خواستنی‌های افراد تأثیرمستقیمی در تحقق اهداف آموزشی و پدیداری تغییر رفتار دارد. براین‌اساس سرفصل‌های آموزشی هم باید به گونه‌ای تنظیم شود که هر سه حوزه دانش، مهارت و نگرش فراگیران را پوشش دهد. نتیجه این آسیب ضعف کارآمدی و توانمندی دانش‌آموختگان حقوق در انجام وظایف شغلی و پر حجم شدن آموزش‌های شغلی و سازمانی آنها شده‌است. برای رفع این آسیب نیز باید سرفصل‌های آموزشی حقوق از زاویه شمول و تعمیم‌پذیری^۲ در حوزه‌های دانش، مهارت و نگرش مورد بازنگری قرار گیرد.

۵. ضعف سازوکار انعطاف و پویایی در سرفصل‌ها

عوامل متعددی موجب تفاوت در ظرفیت‌های فردی فراگیران و شرایط آموزشی و نتیجه نیازهای متفاوت آنها می‌شود.^۳ برای تطبیق و سازگاری با این تفاوت‌ها لازم است در تدوین سرفصل‌ها سازوکارهای انعطاف‌به‌گونه‌ای تعبیه شود که تدریس آنها برای فراگیران با اوضاع اقلیمی و آموزشی و دانسته‌های قبلی معنادار و مناسب باشد. بانگاهی به سرفصل‌های آموزشی حقوق در تمامی رشته‌های موجود ملاحظه می‌شود که اساساً توجه به سازوکار انعطاف و پویایی در تدوین سرفصل‌های آموزشی مدنظر نبوده‌است.

۲. میرزا بیگی - دکتر علی - برنامه ریزی درسی و طرح درس.

۳. نادری - دکتر عزت‌اله - روشهای تحقیق در علوم انسانی - ص ۵۰.

۴. پروند - دکتر محمد حسن - مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی - نشر شیوه .

۶. ضعف توجه به پژوهش - محوری و نظریه‌های خلاقیت و یادگیری

در تدوین سرفصل‌های آموزشی حقوق به صورتی فنی نظریه‌های خلاقیت و بازنگری و پژوهش - محوری در آموزش مدنظر نبوده است. نتیجه این وضعیت غلبه مفرط حفظ محوری در سرفصل‌های آموزشی است. افزایش توان تجزیه تحلیل و قدرت رد فرع بر اصل مستلزم تعبیه سازوکارهای پژوهش - محوری در مرحله تدوین سرفصل‌های آموزشی است. برای اطمینان از اعمال این سازوکار لازم است سرفصل‌های آموزشی حقوق از زاویه حفظ محور بودن یا پژوهش محور بودن بانگاهی نوبررسی شود.

پیشنهادها

۱. چون نقش و سهم آسیب‌های آموزش حقوق در ایران مستقیماً در توسعه ملی و عملی کشور مؤثر است ضرورت دارد انجام این مهم توسط وزارت علوم با همکاری دستگاه‌های مربوط جدی گرفته شود.
۲. برای توسعه رشته‌های دانشگاهی حقوق و تحقیق الزامات و احکام اسناد ملی توسعه کشور و تأمین نیازهای اجتماعی و انجام مطالعات بین رشته‌ای حقوق پیشنهاد می‌شود چهل عنوان رشته یا گرایش تخصصی و جدید به شرح منعکس در متن مقاله دایر شود.
۳. اهداف نظام آموزش حقوق در ارتباط و پیوندی منطقی و متناظر با نظام بالا دستی (نظام آموزش عالی کشور) و نظام پایین دستی (رشته‌های دانشگاهی موجود) تنظیم شود.
۴. محتوا و روش‌های آموزشی در رشته‌های دانشگاهی حقوق از زاویه کارآفرینی و تجاری سازی دانش بازنگری شود.

۵. برای ایجاد ارتباط مؤثر میان رشته‌های دانشگاهی حقوق با رشته‌های شغلی حقوق پیشنهاد می‌شود چند واحد درسی با عنوان «واحدهای گرایش شغل» و متناسب با وظایف هر یک از رشته‌های شغلی در رشته‌های دانشگاهی گنجانده شود.
۶. ضوابط و معیارهای مربوط به ایجاد رشته‌های دانشگاهی حقوق تدوین شود.
۷. شاخص‌های مربوط به کیفیت آموزش حقوق مدون شده و برای رفع ناهمترازی مجریان آموزش حقوق حداقل‌های استاندارد مربوط تعیین و کنترل شود.
۸. مقررات آموزشی از انعطافی برخوردار شود تا دانشجویان مجاز باشند حداکثر تا ۳۰ واحد درسی متناسب با نیاز و علاقه فردی خود علاوه بر واحدهای دانشگاهی و به‌عنوان رشته فرعی انتخاب کرده و در پایان مدرک مربوط نیز دریافت کنند.
۹. ضوابط و شرایط مدرسی حقوق تدوین شود. در این ضوابط آشنایی با فلسفه، فناوری، اهداف، روش‌های آموزشی و فنون و مهارت‌های تدریس گنجانده شود.
۱۰. ساز و کار ارزشیابی تکوینی و پایانی در حوزه آموزش‌های حقوقی بازتنظیم شود.
۱۱. مطالعات جغرافیایی حقوق به معنای آشنایی با سازمانها، مشاغل، رشته‌ها، قوانین و کتاب‌های حقوقی متناسب با وضعیت بازار و تغییر پرشتاب جامعه ایرانی در محتوا و نظام آموزش حقوق ایجاد شود.
۱۲. معیارهای تدوین متون آموزشی حقوق از نظر چگونگی رعایت اصول یادگیری، سازماندهی محتوا و ساختار و مراحل تدوین متون آموزشی با استفاده از بافته‌های برنامه‌ریزی درسی و آموزشی تدوین شده و تهیه منابع آموزشی مطابق این معیارها در دستور کار شورای تدوین متون و مراجع مربوط قرار گیرد.
۱۳. به منظور توسعه و ترویج سنت نقد کتاب در حوزه حقوق سیاست‌های تشویقی به کار گرفته شود.
۱۴. سرفصل‌های آموزش حقوق به روزرسانی و مستندسازی شود.
۱۵. متخصصان آموزشی و درسی در تدوین سرفصل‌های آموزشی مشارکت داشته باشند.
۱۶. در بازنگری سرفصل‌های آموزشی حقوق ابعاد مهارتی و نگرشی در آنها تقویت شود و نظریه‌های خلاقیت و یادگیری و نیز پژوهش محور شدن آموزش مدنظر باشد.